

نشست‌های برگزار شده در معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان نشست: آسیب‌شناسی و مأموریت‌های پژوهش در علوم انسانی

واحد برگزارکننده نشست:	معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی با همکاری معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دبیر نشست:	دکتر حمیدرضا علومی یزدی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۷/۰۹/۲۷ (روز پژوهش و علوم انسانی)
اعضای هیئت علمی:	دکتر حسین سلیمی، دکتر محمدباقر خرمشاد، دکتر ابوالفضل دلاوری (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی (استاد پیش‌کسوت دانشگاه تهران)، دکتر حسن بختیاری (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا) و دکتر حسین میرزایی (عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر مسعود برومند (معاون سابق پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، دکتر لیا جنیدی (معاون سابق حقوقی رئیس‌جمهور)، دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس شورای تحول و ارتقای علوم انسانی و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی) و دکتر سید سعیدرضا عاملی (رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی)
مسئله محوری نشست:	آسیب‌شناسی و مأموریت‌های پژوهش در علوم انسانی

سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	مجلس شورای اسلامی، معاون اول رئیس‌جمهور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای تحول و ارتقای علوم انسانی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، دفتر گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، معاونین پژوهشی سیزده دانشگاه برتر کشور.
---------------------------------	--

ویژگی‌ها و وضعیت پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی:

پژوهش در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی از دو جهت تفاوت‌هایی اساسی با حوزه‌های علوم تجربی و فنی دارد. نخست از جهت سرشت این پژوهش‌ها و دوم از جهت جایگاه آن‌ها در ذهنیت عمومی. در مورد اول می‌توان به سه ویژگی زیر اشاره کرد:

۱. پیچیدگی هستی‌شناسانه (ذوابعاد، چندلایه بودن و پویایی پدیده‌های انسانی و اجتماعی).
۲. دشواری‌های روش‌شناسانه (عدم امکان و یا سخت بودن آزمایش‌پذیری و کنترل روش‌شناختی در پدیده‌های انسانی و اجتماعی).
۳. معمای معرفت‌شناسانه (آمیختگی شدید پدیده‌های انسانی اجتماعی با ارزش - داوری و در آمیختگی فاعل شناسایی با موضوع شناسایی در این علوم).

با وجود این، به‌ویژه در دو سده اخیر این دانش‌ها و پژوهش‌های مرتبط با این حوزه از انتظام علمی روزافزونی برخوردار شده و به‌رغم تنوع پارادایم‌ها و رویکردها و روش‌ها، در مجموع به یک حوزه تخصصی و معیارمند تبدیل شده‌اند.

در مورد جایگاهی که این دسته از علوم در ذهنیت عمومی دارند می‌توان به این مورد اشاره کرد: نتایج و دستاوردهای پژوهش‌های مرتبط با حوزه‌های تجربی و فنی، بازنمایی‌های سریع‌تر و نمودهای ملموس‌تری دارند، به‌ویژه این که ابعاد کاربردی آن‌ها غالباً به‌صورت مستقیم و در شکل ابزارها و تکنیک‌هایی ظاهر می‌شود که برای همگان قابل رؤیت و ارزشیابی

است. حال آنکه در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی این نتایج و دستاوردها کمتر مستقیم و کمتر از آن ملموس است. این در حالی است که دستاوردهای این دسته از علوم تاکنون دست کم در دو سطح توانسته است بر کلیت حیات انسانی و اجتماعی تأثیر بگذارد:

۱. در سطح معرفتی، یعنی ایجاد یا اصلاح و تعمیق دانش و بینش آدمیان در مورد جهان-زیستشان و پدیده‌ها و رویدادهای که با آن مواجه‌اند (خودآگاهی‌های فردی و جمعی).
۲. در سطح شناسایی مسائل و مشکلات مربوط به حیات فردی و اجتماعی و ارائه راه‌حلهایی مستمر برای بهینه‌سازی سامان‌دهی زندگی انسانی.

در یکی - دو سده اخیر توجه جوامع پیشرو به اهمیت، جایگاه و مرجعیت علوم انسانی و اجتماعی به‌طور روزافزون بیشتر شده و این بخش از دانش‌ها و پژوهش‌ها جایگاه والایی در نظام‌های آموزشی و پژوهشی و به تبع آن در نظام تدبیر این جوامع به‌دست آورده‌اند و به تبع، سهم روزافزونی از منابع و بودجه‌ها را چه از بخش عمومی و چه از بخش خصوصی به خود اختصاص می‌دهند.

در کشور ما نیز گرچه با تأخیری طولانی، در چند دهه اخیر توجه به علوم انسانی و اجتماعی افزایش یافته است. گسترش کمی آموزش و پژوهش در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، شکل‌گیری و فعالیت مؤسسات تخصصی پژوهشی در این حوزه‌ها، رشد نسبتاً سریع جامعه علمی مرتبط با این علوم و شکل‌گیری نهادها و تشکلهای حرفه‌ای و تخصصی نظیر انواع انجمن‌های علمی از جمله دستاوردهای فعلی این توجه بوده است. به‌طور کلی شاخص‌های کمی در زمینه پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی (پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی، مقالات علمی منتشره و طرح‌های تحقیقاتی اجراشده یا در دست اجرا) در سال‌های اخیر به‌سرعت در حال رشد بوده است. نام‌گذاری یکی از روزهای هفته پژوهش به نام «روز پژوهش و علوم انسانی» از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را باید نشانه‌ای آشکار از تداوم و تعمیق این رویکرد حمایتی تلقی کرد.

دانشگاه علامه طباطبائی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متولیان و مروجان آموزش و پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی به‌ویژه در سال‌های اخیر به تلاش‌های وسیعی برای توسعه

پژوهش‌های اصیل و سودمند در این حوزه‌ها دست زده و مهم‌تر از آن قدم‌های بزرگی برای کاربردی کردن نتایج پژوهش‌های این حوزه و تبدیل آن به برنامه‌های عملیاتی و سیاست‌های اجرایی برای حل مسائل و مشکلات مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور برداشته است.

مسائل و مشکلات پژوهش در حوزه علوم انسانی و اجتماعی:

با وجود روند سریع رشد کمی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در کشور این حوزه امروزه از مشکلات متعددی رنج می‌برد. اهم این مسائل به شرح زیر است:

۱. به‌رغم اصلاح نسبی نگرش سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کشور نسبت به اهمیت و جایگاه علوم انسانی و اجتماعی چه در نظام آگاهی عمومی و چه در نظام تدبیر کشور، هنوز این نگرش‌ها به‌اندازه کافی عمیق و جدی نیست و گاه از حد تعارف فراتر نمی‌رود. البته در این مورد، سویه دیگر مسئله، یعنی عرضه ناچیز و غیرجذاب دستاوردهای علوم انسانی و اجتماعی توسط متولیان و اصحاب این علوم نیز سهم زیادی در این کم‌توجهی دارد.

۲. جهت‌گیری و سیاست‌گذاری پژوهشی کشور در حوزه علوم انسانی و اجتماعی به نسبت حوزه‌های دیگر از یکپارچگی و انسجام کافی برخوردار نیست. غلبه نگاه‌ها غیرعلمی و علایق بخش‌گرایانه منجر به رواج پژوهش‌های شبه‌علمی و بی‌لان‌محور (غالباً صوری و اداری و گاه فرمایشی و نمایشی) شده که این موضوع به‌نوبه خود مانع تمرکز اندک نیروها و منابع موجود بر پژوهش‌های مسئله‌محور، اولویت‌دار و اصیل می‌شود.

۳. پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی جایگاهی پایین‌دست در نظام بودجه‌بندی کشور دارند. هنوز سهم فعلی کل بخش پژوهش از بودجه عمومی از همان رقم و روندی که در قوانین آمده بسیار کمتر است و در توزیع و تخصیص همین بودجه نیز علوم انسانی و اجتماعی عملاً نقش شهروند درجه ۲ را دارد. این در حالی است که بهره‌مندی عملی و هزینه‌کرد همین بودجه ناچیز با پیچ‌وخم مقررات سخت‌گیرانه و فرایند بوروکراتیک

دست و پاگیر مواجه است و گاه بخش بزرگی از همین بودجه ناچیز نیز برگشت می‌خورد.

۴. سازمان‌ها و نهادهای دولتی برخوردار از بودجه پژوهشی و همچنین بخش‌های خصوصی موظف به هزینه‌کرد پژوهشی اغلب ارتباط چندان مطلوبی با دانشگاه‌ها ندارند و بودجه‌های خود را در شبکه‌های خارج از دانشگاه مصرف می‌کنند.

۵. سهم بسیار ناچیز بخش خصوصی در تأمین هزینه‌های پژوهشی، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی که بخشی از این موضوع از ضعف کلی بخش خصوصی و غلبه رویکردها و نگرش‌های کوتاه‌مدت در میان اعضای این بخش ناشی می‌شود؛ اما بخش دیگری از آن به الگوی نامناسب دریافت و جذب سهم پژوهش از درآمدهای این بخش مربوط است که شبیه نوعی مالیات‌گیری مستقیم است و خود این بخش مشارکت چندانانی در تعیین زمینه و نحوه هزینه‌کرد آن ندارند. این موضوع نه‌فقط انگیزه‌ای برای مشارکت بخش خصوصی در تأمین هزینه‌های پژوهشی ایجاد نمی‌کند بلکه برعکس، زمینه‌ساز گریز این بخش از انجام این وظایف می‌شود.

۶. مبهم و گاه نامشخص بودن ذی‌نفعان (اعم از دولتی و خصوصی) و بی‌ارتباطی پژوهشگران و کارفرمایان با این ذی‌نفعان. این موضوع به‌ویژه در پژوهش‌های درون دانشگاهی و بیشتر از همه در رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی مشاهده می‌شود. این امر به‌نوبه خود مانع سنجش دقیق کیفیت این پژوهش‌ها می‌شود.

۷. غلبه مقررات و محدودیت‌های بوروکراتیک بر فضاها علمی و پژوهشی که مانع پویایی و خلاقیت در ایجاد الگوهای جدید برای طراحی و ارزشیابی فعالیت‌های پژوهشی و مدیریت هزینه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی می‌شود.

۸. غلبه معیارهای کمی در هدف‌گذاری‌ها و ارزشیابی‌های نظام علمی و پژوهشی کشور (نظیر تأکید بر تعداد مقالات چاپ‌شده) و گاه استفاده از سازوکارهای اجبارآمیز بر فعالیت‌های پژوهشی (نظیر ملزم کردن استادان و دانشجویان به نگارش و چاپ تعداد خاصی مقاله به‌رغم بی‌میلی یا ناتوانی بخشی از این استادان و دانشجویان). این رویکرد

- در حوزه علوم انسانی و اجتماعی که انجام پژوهش‌های اصیل دشوارتر است و زمان بیشتری می‌طلبد، نه فقط کمکی به ارتقای کیفیت پژوهش‌ها نمی‌کند بلکه موجب رواج شبه‌علم و افزایش فساد علمی در این حوزه شده است.
۹. ضعف ارتباط میان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی با دولت، جامعه و بازار و نبود فضاهای عمومی و سازوکارهای مناسب برای عرضه و بازنمایی دستاوردهای علوم انسانی و اجتماعی برای بازیگران سه‌گانه نامبرده در بالا.
۱۰. رشد سریع و غیرمتعارف تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در دو دهه اخیر، به‌ویژه در برهه ۸ ساله ۹۴-۱۳۸۴ که عمدتاً نیز در حوزه علوم انسانی و اجتماعی اتفاق افتاده و باعث افزایش تصاعدی هزینه‌های بالاسری این بخش شده است. این وضعیت در شرایط انقباض مالی سال‌های اخیر که بودجه‌های وزارت علوم و حتی مؤسسات خصوصی کفاف همین بخش‌های بالاسری را هم نمی‌کند، بخش پژوهش، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی را به قربانی اصلی تبدیل کرده است.
۱۱. حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در چند دهه اخیر به شدت با ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک درآمیخته و اخیراً نیز تحت تأثیر آنارشیسم علمی ناشی از چرخش‌های زبانی در علوم انسانی و اجتماعی جهانی قرار گرفته است. این گرایش‌ها باعث حاشیه‌ای شدن و گاه حذف ارزش‌ها، روش‌ها و معیارهای پذیرفته‌شده در جریان اصلی علوم انسانی و اجتماعی شده و این موضوع باعث واگرایی‌ها و افت شدید کیفیت در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی کشور شده است.
۱۲. پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی در ایران امروز گرایش شدیدی به موضوعات و مسائل کلی و انتزاعی دارند و در بهترین حالت اگر به حوزه‌های انضمامی توجه کنند اغلب در سطوح کلان باقی می‌مانند و کمتر به مسائل خرد، جزئی و محلی می‌پردازند. حتی گاه مسائل ملموس مربوط به محیط زندگی و کار خود را نیز نمی‌بینند و یا آن را بی‌ارزش می‌پندارند.

توصیه‌های سیاستی:

۱. ضرورت تداوم و تعمیق اصلاح در نگرش سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور نسبت به جایگاه و اهمیت پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی و پذیرش مرجعیت این علوم هم در سطح شناسایی و فهم مسائل کلان و خرد کشور و هم در سطح تدبیر و سیاست‌گذاری برای حل این مسائل.
۲. اصلاح معیارها و فرایندهای تعیین اولویت‌های پژوهشی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی بر اساس مطالعات و آمایش‌های تخصصی و مسئله‌شناسی‌های اجماعی به‌منظور پرهیز از بخش‌گرایی و غلبه علایق و سلایق فردی.
۳. اصلاح نظام بودجه‌بندی کشور در جهت افزایش سهم بخش پژوهش، به‌طور کلی و سهم پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی به‌طور خاص و طراحی فرایندها و سازوکارهای مناسب به‌منظور تخصیص بهینه و نظارت و ارزشیابی بر هزینه‌کرد بودجه‌های این حوزه
۴. اصلاح الگوها و سازوکارهای مشارکت بخش خصوصی در تأمین بخشی از هزینه‌های پژوهشی کشور و هدایت بخش متناسبی از این منابع به سمت پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی از طریق اصلاح مقررات، ایجاد مشوق‌ها و برقراری ارتباط مستقیم و تشریک‌مسابی میان بخش خصوصی و اصحاب علوم انسانی و اجتماعی.
۵. ضرورت تحول در ساختارهای اداری و مالی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در راستای تقویت استقلال دانشگاه‌ها و مقررات زدایی هدفمند به‌منظور طراحی و پیشبرد برنامه‌های پژوهشی خلاقانه و اصیل و تسهیل جذب نیروها و منابع پژوهشی.
۶. ایجاد تعادل در سهم پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و انتقادی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و تخصیص حمایت‌های ویژه به آن دسته از پژوهش‌های اولویت‌دار که کمتر از سوی کارفرمایان و متقاضیان ذی‌نفع دولتی و خصوصی مورد حمایت مورد قرار می‌گیرند.

۷. تشویق و حمایت از پژوهش‌های جمعی، بین‌دانشگاهی و بین‌المللی و همچنین پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای به منظور هم‌افزایی علمی و همچنین اصلاح نگرش‌ها و روش‌ها در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی
۸. الزام دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به تعیین دقیق ذی‌نفعان در رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و دیگر پروژه‌های هزینه‌بر و تعریف فرایندهای مشخص و مناسب برای ارتباط مجریان این پروژه‌ها با ذی‌نفعان به منظور افزایش کیفیت و بهره‌وری پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی.
۹. ضرورت طراحی و برگزاری نمایشگاه‌های منظم برای عرضه و نمایش آثار علمی و پژوهشی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی به منظور اطلاع‌رسانی از تحولات و دستاوردهای این حوزه و برقراری ارتباط بیشتر میان بخش تقاضا (دولتی و خصوصی) با بخش عرضه (دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی).
۱۰. ضرورت بررسی آسیب‌شناسانه رشد کمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی، به‌ویژه در بخش دولتی به منظور بازاندیشی و اصلاح نظام هزینه‌ها و طراحی الگوهای مناسب برای کاهش هزینه‌های بالاسری (اداری و تأسیساتی) به سود بودجه‌های پژوهشی.
۱۱. ضرورت بازاندیشی و اصلاح در نظام آموزشی عمومی و عالی کشور به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی به منظور تقویت ذهنیت علمی و توانمندی‌های پژوهشی و ارتقای کیفیت پژوهش‌ها. لازم است این اصلاحات شامل ابعاد و راحل مختلف نظیر برنامه‌ریزی درسی، مدیریت آموزشی، الگوهای سنجش و ارزشیابی، پذیرش دانشجو و ... باشد.
۱۲. ضرورت توجه به حوزه‌ها و مسائل خرد و محلی در آموزش و پژوهش علوم انسانی و اجتماعی از طریق درگیر کردن دانش‌آموزان، دانشجویان و پژوهشگران با محیط‌های واقعی و مسائل ملموس زندگی و اصلاح معیارها و فرایندهای طراحی و ارزشیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در راستای توجه بیشتر به موضوعات و مسائل ملموس، محلی و خرد.